

دین و اخلاق

مجموعه‌ای از یادداشت‌های فیلسوفان معاصر برای
نیویورک تایمز

ترجمه
محدثه واضحی فرد



نشر کردن

فهرست

۱ - - - - - یادداشت مترجم

ایمان چیست؟

- ۷ - - - - - فلسفه و ایمان / گری گاتینگ
۱۳ - - - - - اسرار و اسناد / تیم کرین
۲۱ - - - - - دشواری عشق [ورزیدن] / سایمون کریچلی
۲۹ - - - - - آیا اهمیتی دارد خدا وجود داشته باشد؟ / گری گاتینگ
۳۵ - - - - - اهمیت زندگی پس از مرگ، بی شوخی / ساموئل شفلر

انواع اختلافات دینی

- ۴۳ - - - - - در ستایش برخورد فرهنگ‌ها / کارلوس فرنکل
۵۱ - - - - - چرا مورمون‌سیم را دوست دارم؟ / سایمون کریچلی
۶۳ - - - - - خدایی ناکامل / یورام هزنی
۶۹ - - - - - خط‌مشی سیاسی قربانی کردن اسحاق / امری بوهم
۷۵ - - - - - در باب تردید درباره دولت یهود / جوزف لوین
۸۳ - - - - - آزادی ایمان: موعظه کریسمس / سایمون کریچلی

مسئله اخلاقی خدا

- ۹۵ ----- اخلاق بدون خدا / فرانس دِ وال
- ۱۰۹ ----- اعترافات یک اخلاق‌گرای سابق / جوئل مارکز
- ۱۱۷ ----- آیا برای «قرص اخلاق» آماده‌ایم؟ / پیتر سینگر و آگاتا سگان

تعدادی مسئله جنجالی اخلاقی

- ۱۲۳ ----- هزارتوی نسبی‌گرایی اخلاقی / پل بوغوسیان
- ۱۳۱ ----- آیا از خودگذشتگی مطلق ممکن است؟ / جودیت لیختنبرگ
- ۱۳۹ ----- مُردگی در زندان انفرادی / لیزا گونتر
- ۱۴۵ ----- آیا باید آخرین نسل باشیم؟ / پیتر سینگر
- ۱۴۹ ----- گوشت‌خواران / جف مک‌مین
- ۱۵۹ ----- قبل از بچه‌دار شدن، فکر کنید / کریستین اُورآل
- ۱۶۵ ----- در باب بخشش / چارلز ال. گریسولد
- ۱۷۵ ----- مشکلات اخلاقی بازار آزاد / آمیا شیرینیواسان
- ۱۸۳ ----- افسانه عشق فراگیر / استفن تی. آسما

فلسفه و ایمان

گری گاتینگ

یکی از کارهای من به عنوان معلم دانشجویان باهوش و اغلب کاتولیک دوره کارشناسی این است که وادارشان کنم به چرایی باورشان به عقاید مذهبی فکر کنند. کافی است سر بحث را با مسئله شر یا با تنوع عقاید دینی باز کنم؛ مثلاً با این سؤال که «آیا واقعاً می‌توانید هر روز روزنامه بخوانید و باز هم به خدای کامل مطلق معتقد باشید؟» یا با این پرسش که «فکر نمی‌کنید اگر در عربستان سعودی به دنیا آمده بودید، اکنون مسلمان بودید؟» هرچند این بحث پر حرارت ناگزیر با یک سؤال فرومی‌نشیند، وقتی کسی دستش را بالا می‌برد و (گاه پرشور و گاه خودبینانه) می‌گوید: «اما آیا ایمان را از یاد نبرده‌اید؟»

ظاهراً برای اکثر دانشجویان همین کافی است. برگ برنده رو شده و آنها – یا دست‌کم آنها که دین را بیشتر مایه آرامش می‌بینند تا باری سنگین – با خرسندی به یاد می‌آورند که اعتقاد داشتن یعنی هیچ‌گاه مجبور نیستید توضیح دهید چرا.

خود من به عنوان محصول تربیت چندین ساله در نظام یسوعی با آن همه اطمینانی که به اصول عقایدشان دارند، نمی‌توانم چندان با این پاسخ که «ایمان است دیگر» همدل باشم. جواب می‌دهم: «چطور می‌توانی این را بگویی؟»

تو یک ماشین دست دوم را هم صرفاً به خاطر ایمانی که به حرف‌های فروشنده داری نمی‌خری. چرا به چیزی ایمان می‌آوری که درباره رستگاری ابدیت ادعاهای خیلی مهم‌تری دارد؟» در واقع اکثر دانشجویانم ایمانشان را نه پرش فکری کورکورانه، بلکه اندیشه‌ای استوار بر شواهد و دلایل می‌بینند.

آنها می‌گویند: «بسیار خوب، اگر خدایی وجود ندارد، به‌طور کلی چطور می‌توانید توضیح دهید چرا چیزها وجود دارند یا چرا جهان تابع قواعد دقیق طبیعت است؟»

در اینجا، من انواع برهان‌های مشهور به نفع وجود خدا را ارائه می‌کنم، کلاس دوباره به وجد می‌آید و دانشجویانم کم‌کم فکر می‌کنند در شرف به دست آوردن چیزی هستند که خانواده‌هایشان برایش در یک دانشگاه برجسته کاتولیک هزینه کرده‌اند: تأیید عقلانی قاطع به نفع ایمانشان.

با این حال، خیلی زود همه چیز دوباره در هم می‌ریزد؛ چراکه نهایت تلاشمان در اقامه برهان‌ها با روش سنتی با اشکالاتی پی‌درپی روبه‌رو می‌شود. دانشجویان درمی‌یابند که من از ارائه اثباتی قابل قبول ناتوان‌ام و من راز ناخوشایند را برایشان فاش می‌کنم: فیلسوفان هیچ‌گاه نتوانسته‌اند برهانی بیابند که مسئله وجود خدا یا هیچ‌یک از «مسائل بزرگ» دیگری را که طی ۲۵۰۰ سال درباره‌شان بحث کرده‌ایم به کلی حل کنند.^۱

به نظر می‌رسد برگشته‌ایم به نقطه آغازین: «ایمان است دیگر». من با اتکا به اطمینان یسوعی‌وارم به براهین و شواهد، همیشه با این امر مخالفت کرده‌ام. اما این نتیجه‌گیری دانشجویان برایم تکان‌دهنده است که فلسفه، گرچه تمرین خوبی برای فکر و منبع معماها و پارادکس‌های هیجان‌انگیز است، اما واقعاً در اعتقاد دینی اهمیتی ندارد.

۱. آنچه مؤلف ادعا دارد دقیق نیست. متکلمان متأله و به‌ویژه آن دسته از آنان که مشرب فلسفی داشته‌اند برهان‌هایی مختلف در اثبات وجود خدا عرضه کرده‌اند. ممکن است کسی ادعا کند همه این برهان‌ها به یک اندازه قانع‌کننده نیستند، اما این ادعا با آنکه هیچ برهان قانع‌کننده‌ای عرضه نشده متفاوت است. - ناشر.

با وجود این، اخیراً متوجه خطایی شده‌ام که خودم - و اکثر همکاران حرفه‌ای‌ام - در مسیر تفکرمان درباره فلسفه و دین به آن گرایش داریم. (یکی از مزیت‌های بزرگ تدریس فلسفه به دانشجویان باهوش مقطع کارشناسی این است که اندیشیدن را در خارج از محدودیت‌های مفروضات حرفه‌ای رایج آسان‌تر می‌کند.) بر اساس دیدگاه مرسوم، اختلاف نظر فیلسوفان درباره برهان‌های مربوط به خدا باعث می‌شود نظرات آنها درباره ایمان خداباوران و خداناباوران عادی نامربوط انگاشته شود. ادعایشان روشن به نظر می‌رسد: اگر ما حرفه‌ای‌ها نتوانیم بین خودمان به توافق برسیم، چه چیزی برای عرضه به غیر حرفه‌ای‌ها داریم؟ تمسک به متخصصان نیازمند اجماعی بین آنهاست، که میان فیلسوفان وجود ندارد.

این رویه فکری حقیقتی را نادیده می‌گیرد؛ اینکه وقتی فیلسوفان با هم اختلاف دارند، عدم‌وفاقشان فقط درباره وجوه خاصی از دقیق‌ترین و پیچیده‌ترین صورت‌های برهان‌ها یا علیه وجود خدا است (مثلاً صورت‌بندی همکارم آلون پلاتینگا^۱ از منطق وجهی استدلال هستی‌شناختی آنسلم قدیس، یا روایت پیچیده احتمالاتی ویلیام روه^۲ از برهان شر). هیچ عدم‌توافقی بین فیلسوفان درباره برهان‌های معروف‌تری که خداباوران و خداناباوران عموماً به آنها توسل می‌جویند نیست: این‌گونه استدلال‌ها در صورت‌بندی رایجشان، آنچه را که مدعی هستند، اثبات نمی‌کنند (یعنی منطقاً از مقدماتی که بر سر آنها اختلافی نیست چنان نتایجی حاصل نمی‌شود). این اثبات‌ها از منظر متخصصان صاحب صلاحیت به‌روشنی ناپسند است. به‌علاوه، بر اساس اجماع متخصصان، دیگر هیچ صورت‌بندی پخته‌ای نیست که خداباوران یا خداناباوران بتوانند بپذیرند - به آن نحوی که ما ادعاهای علمی را می‌پذیریم.

1. Alvin Plantinga
2. William Rowe